



مهندس محمدرضا پورآزرم

عضو هیات علمی بازنشسته دانشکده علوم

سال بازنشستگی: ۱۳۸۳

اینجانب محمدرضا پورآزرم در سال ۱۳۳۰ شمسی در شهرستان دزفول به دنیا آمدم. دوران ابتدایی و دبیرستان را در همین شهر تحصیل نمودم و در سال ۱۳۴۹ از دبیرستان قطب در رشته ریاضی دیپلم گرفتم و در همان سال با شرکت در کنکور سراسری در رشته شیمی دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم کنونی) پذیرفته شدم. در آن زمان داوطلبان کنکور می توانستند ده گزینه در انتخاب رشته داشته باشند و من به خاطر علاقه ای که به درس شیمی داشتم پنج انتخاب اول را شیمی انتخاب نمودم. علت این علاقه، تلاش و روش تدریس دبیران شیمی زحمتکش دبیرستان بود که جای تشکر از ایشان دارد.

در آن سال از جمله شرایط الزامی انتخاب رشته شیمی در دانشسرای عالی تهران: اولاً باید متقاضی دارای دیپلم ریاضی باشد، دوماً باید انتخاب رشته شیمی اولین انتخاب متقاضی باشد. در نتیجه نخستین انتخاب من همان شیمی دانشسرای عالی تهران شد و در همان سال پذیرفته شدم و شروع به تحصیل نمودم. در خرداد سال ۱۳۵۳ فارغ التحصیل گشتم. سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ را در خدمت سربازی گذراندم و از مهر ۱۳۵۵ به عنوان کارشناس شیمی به استخدام دانشگاه جندی شاپور اهواز (شهید چمران اهواز) درآمدم و در گروه شیمی دانشکده علوم مشغول به کار شدم و از همان ابتدای ورودم به گروه شیمی تا سال ۱۳۸۴ به تدریس دروس عملی آزمایشگاهی شیمی اشتغال داشتم. در تمام دوره خدمتم دروس آزمایشگاهی شیمی عمومی (۱)، شیمی

عمومی (۲)، شیمی آلی (۱) و شیمی آلی (۲) را تدریس نمودم و تقریباً تمامی دانشجویان شیمی پذیرفته شده در دوره خدمتم این دروس آزمایشگاهی را با من گذرانده‌اند و همچنین برای برخی رشته‌های دیگر نظیر مهندسی و کشاورزی نیز این دروس را ارائه داده‌ام و همینطور به صورت نظری درس شیمی پیش دانشگاهی را تدریس نمودم. در رشته شیمی، آموزش دروس عملی برای دانشجویان بسیار حائز اهمیت است چرا که کار با مواد شیمیایی با توجه به خواص فیزیکی و شیمیایی آنها مانند، حالت جامد، مایع، بخار و فراریت با قابلیت اشتعال، سمیت، اثرگذاری آنها رو پوست بدن و ایجاد خوردگی و... بسیار حساسیت برانگیز است و همچنین آشنایی دانشجویان به انتخاب درست ابزار کار آزمایشگاهی و به کار بستن درست آنها در شرایط تعیین شده و مؤثر در واکنش‌پذیری مواد بسیار اهمیت دارد. همینطور آموزش دانشجویان در کار با دستگاه‌های سنجش و شناسایی مواد و کاربرد درست آنها نیز بسیار مورد توجه می‌باشد تا جایی که می‌توان مدعی شد که جوهره یادگیری یک دانشجوی کارشناسی شیمی آشنایی صحیح دانشجویان با کاربرد عملی آزمایشگاهی مواد شیمیایی است و دانشجویان باید در آزمایشگاه به صورت کاربردی آنچه را که از دروس تئوری آموزش دیده‌اند در آزمایشگاه بدون خطر آفرینی عملیاتی نمایند تا در هنگام شروع به کار در صنایع و آزمایشگاهها، نگران کار با مواد شیمیایی با آن ویژگی‌های ذکر شده نباشند و من تمام خدمت دانشگاهیم را در آزمایشگاههای شیمی در خدمت آموزش به دانشجویان عزیز سپری نمودم و خوشبختانه با تجربیاتی که داشتم با هیچ مشکل و خطری مواجه نشدم. بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دوساله دانشگاهها در این دوران به اتفاق اساتید و همکاران گرامی گروه شیمی، آقایان دکتر بدری، دکتر کوتی، دکتر دلاویز در پروژه تحقیقاتی ساخت و سنتز داروهای طرح ژنریک مشارکت داشته‌ام. در سال ۱۳۷۶ با موافقت وزارت علوم و آموزش عالی از کارشناس آموزشی به مرتبه مربی آموزشی و عضویت هیات علمی گروه شیمی ارتقاء یافتم و در سال ۱۳۸۳ بازنشسته شدم. بعد از بازنشستگی برای مدت پنج سال سابقه مدیریت دفتر مهندسی فروش نماینده انحصاری شرکت نفت ایرانول در استان خوزستان را داشتم و برای توجیه علمی - عملی کاربرد روغنهای صنعتی و موتور بنزینی و گزویلی با اغلب صنایع فلزی و غیر فلزی، صنایع نفت و پتروشیمی، کشت صنعتی کشاورزی و نیروگاههای برق آبی و گازی و سازمانهای خدمات موتوری تحت عنوان کارشناس فنی و فروش همکاری داشتم.

در سال ۱۳۵۵ که من در دانشگاه استخدام شدم ریاست دانشگاه با دکتر جمعی بود و برای اولین بار که ایشان را دیدم عجیب جذب ابهت، قهقهه، شیک پوشی و جذبه ایشان شدم و انصافاً برازنده ریاست دانشگاه بود و معاونت آموزشی دانشگاه هم آقای دکتر مهدوی بود که با قد کوتاهش شایستگی لازم پستی که

دراختیارش بود را داشت؛ شخصی کاملاً آکادمیک به نظر می‌رسید و در همان موقع ریاست دانشکده علوم با دکتر ساسان رئیسی یکی از ریاضی‌دانان برجسته بود و ایشان هم انسانی شایسته و قابل احترام بودند و برآزنده سمت در اختیارشان بودند. مدیریت گروه شیمی هم با دکتر جواد عزیزیان بود که در موقع استخدام ایشان با من مصاحبه تخصصی نمودند که خود مدیری قوی بودند و آن زمان من احساس می‌کردم که از نظر حرفه‌ای و تخصصی به خصوص در پستهای مدیریتی به طور شایسته هر شخص در جای خود قرار دارد. اما دانشکده علوم آن زمان به گستردگی کنونی نبود و به تدریج در طی سالیان دراز توسعه یافت آن موقع دانشکده علوم شامل شاخه‌های ریاضی، فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی بود و کتابخانه مرکزی دانشگاه هم در کتابخانه دانشکده علوم ادغام بود که بعد از سالها با آماده شدن ساختمان کتابخانه مرکزی از دانشکده علوم منفک و مستقل گردید. در گروه شیمی آن زمان ما در دو رشته شیمی دبیری و شیمی محض دانشجویی می‌پذیرفتیم که بعدها رشته شیمی دبیری حذف و فقط دانشجوی شیمی محض پذیرفته می‌شد و در کل دانشکده علوم خبری از تحصیلات تکمیلی نبود و بعدها با گسترش ساختمانهای دانشکده علوم و تامین امکانات و ابزار آزمایشگاهی امکان ایجاد رشته‌های تحصیلات تکمیلی بوجود آمد. رشته آمار هم در دانشکده ایجاد گردید که بعد از سالها با آماده شدن ساختمان دانشکده ریاضی گروه ریاضی و آمار از دانشکده علوم جدا گردید و با توسعه دانشکده رشته‌های تحصیلات تکمیلی ایجاد شد و گروه شیمی هم با کادر علمی قوی که داشت جزء اولین گروه‌های آموزشی بود که رشته تحصیلات تکمیلی در آن بنیاد شد و در این امر هم بسیار موفق عمل نمود و دانشجویان زیادی در رشته کارشناسی‌ارشد و دکتری تخصصی برای خدمت به جامعه تربیت کرد که جای تقدیر دارد.

از سال ۱۳۸۸ از اهواز به تهران نقل مکان دادم و تاکنون به امور موردعلاقه‌ام روزگار می‌گذرانم. اکنون که در آستانه ورود به ۷۲ سالگی هستم برایم مایه افتخار است که توانستم در استان خوزستان که محل تولدم است، دوره خدمت کاریم را در محیط مصفا‌ی علمی-تجربی دانشگاه در خدمت دانشجویان عزیز و در کنار همکاران دانشمند و گرامی بوده‌ام و بسیار آموخته‌ام و تجربه کرده‌ام و تلاش نمودم تا آموخته‌هایم را به دیگران انتقال دهم و تا اندازه‌ای دین خود را به کشور عزیزم ایران ادا نمایم.

آنچه از دوران کاریم در ذهن و جانم رسوخ کرده و همراه خود دارم خاطرات تلخ و شیرینی است که بر سرنوشت دانشگاه و دانشگاهیان اثرگذار بوده است. به عنوان مثال می‌توان به تاثیر جنگ هشت ساله و انقلاب فرهنگی اشاره کرد.

گر مرا دردیست، درمان بایش

ور مرا رنجیست، سامان بایش

درد بی درمان و رنج جان ستان

کی شود درمان و کی از جان رهان

عشق و علاقه به آموختن و آموزش دادن و کار و زندگی در کنار دانشجویان جوان شیفته و طالب علم‌آموزی و بالندگی که سرشار از شور و شوق و امید به آینده‌اند و همچنین بهره‌گیری از علم و دانش اساتید و همکاران ارجمند مرا در انتخاب مسیر کاریم هدایت نمود. اما چرخ روزگار چنان چرخید که دیگر مجالی برای ادامه تحصیل نداد. به هر حال آنچه در دوران کاریم سپری نمودم خود زندگی بود و بسیار شیرین و رضایتبخش و از این بابت بسیار مسرورم. در پایان جا دارد از همه مسئولان و همکاران گرامی که در استمرار و ماندگاری دانشگاه تلاش می‌نمایند سپاسگزاری نمایم.

بعد از استخدام در دانشگاه در مرداد ۱۳۵۷ ازدواج کردم و حاصل ازدوایم یک پسر و دو دختر هست که هر سه از مرکز استعدادهای درخشان اهواز (تیزهوشان) در رشته ریاضی - فیزیک دیپلم گرفتند پسر بزرگم از دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی عمران کارشناسی خوانده و در ادامه از دانشگاه تهران در گرایش سازه مدرک کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی Phd دریافت کرده و بعد از پایان تحصیلاتش در ایران و ازدواج به اتفاق همسرش ابتدا به کانادا و سپس به درخواست شرکتی که در آن اشتغال دارد، به آمریکا مهاجرت و اکنون به عنوان مدیر بخشی از آن شرکت اشتغال دارد.

فرزند دوم مدرک کارشناسی الکترونیک از دانشگاه خواجه نصیر طوسی و مدرک کارشناسی ارشد با گرایش کنترل را از همین دانشگاه دریافت کرد بعد از ازدواج و چند سالی کار در ایران به اتفاق همسرش به آمریکا مهاجرت نمود و از دانشگاه بوستون با بورسیه مدرک دکتری در گرایش مهندسی سیستمها دریافت و اکنون چندین سال است که در آنجا مشغول به کار است و فرزند سوم مدرک کارشناسی در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه شریف دریافت نمود و در ادامه با دریافت بورسیه دکتری از دانشگاه ایالتی ماساچوست آمریکا

(دانشگاه امهرست) موفق به دریافت مدرک Phd در گرایش مکانیک گردید و اکنون در زمینه انرژیهای پاک در آمریکا مشغول به کار هستند و من در حال حاضر من به اتفاق همسر من در تهران زندگی می‌کنم.